

نثرانه سکوت

زهره مرشدی



انتشارات شادان

تهابستان ۱۳۹۴

تراشه سکوت

نشر شادان



گروه فرهنگی انتشاراتی

انتشارات شادان

دفتر مرکزی:

تهران، کوی نصر (گیشا)، خیابان جوادفاضل جنوبی،

شماره ۱۰۲. تلفن: ۸۸۲۶۷۲۹۸ - ۸۸۲۴۱۰۲۰

www.shadan-pub.com

shadan@shadan-pub.com

نویسنده: زهره مرشدی

نوبت چاپ: اول، بهمن ۱۳۹۰

ویراستار: مژگان رحیمی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۸-۱۸-۳

کتابخانه ملی: ۳۸۳۳۰۱۷

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۲۳۵۰۰۰ ریال

مرشدحسین، زهره

تراشه سکوت - نویسنده: زهره مرشدحسین

تهران: شادان ۱۳۹۴، ۴۷۰ صفحه

(رمان ۱۱۸۹)

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۸-۱۸-۳

ISBN: 978-600-7368-18-3

فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی:

<http://opac.nlai.ir>

قابل دسترسی است.

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۹۷۱۱۶

با دآوری تمام حقوق این اثر متعلق
به انتشارات شادان می باشد و هرگونه
استفاده از آن با مجوز نشر مجاز است.



غیرمجاز برای
دانلود رایگان

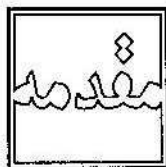
استفاده از کتاب های شادان برای فرار

دادن در سایت های مختلف نه هر شکل

غیرمجاز و به دور از اصول اخلاقی است.

ترانه زندگی...

در کتابی خواندم که «این آدمیزاد دویا، به خوبی یاد گرفته که در آسمان همچون پرنده پرواز و در دریا، چونان ماهی شنا کند، اما هنوز نمی‌داند که چگونه روی زمین زندگی کند!» یعنی آنچه را که مربوط به خودش بوده را نگرفته و بیشتر چشم به دیگر موجودات داشته است.



اگرچه این دهم الحین طنز گفته شده ولی واقعیتی از زندگی را بیان می‌کند که در حالت فردی‌اش نیز وضعیتی مشابه دارد. درواقع چشم ما نه تنها به نوع زندگی دیگر موجودات است، بلکه در جامعه انسان‌ها نیز چشم به زندگی یکدیگر دارد. دیگران چگونه‌اند و چگونه زندگی می‌کنند؟ و گاه حنا غرق در دیدن دیگران می‌شویم که اصل خویش را از یاد می‌بریم و از آرامش و آسایش خود دور می‌شویم.

ما گاهی خود بودن را فراموش می‌کنیم. آنچه هستیم، آنچه باید باشیم و یا می‌توانیم باشیم. نگاهان را معطوف و متمرکز می‌کنیم بر آنچه که دیگران هستند، دارند و یا انتخاب می‌کنند. این دیگران شاید یک آشنا، فامیل و یا حتی آدم‌های یک فرهنگ و کشور بیگانه‌اند. کسانی که نقش آن پرنده و ماهی را برای ما دارند. آدم‌هایی که برای زندگی در شرایط دیگری به دنیا آمده‌اند. شرایطی که مختص به یک خانواده دیگر در همسایگی ماست یا جامعه‌ای متفاوت در گوشه‌ای دیگر از این کره خاکی!

به قول یکی از اساتید ادبیات که از شاگردان متعصب ایرانی خود پرسید:
«کدام یک از شما شاهنامه خوانده‌اید؟ سعدی را چطور؟ آیا از اشعار حافظ
چیزی می‌دانید؟ آیا تاریخ همین یکی دو قرن اخیر مملکت خود را می‌دانید؟»
و در نهایت با عصبانیت گفت: «پس شما از تعصب ایرانی بودن فقط رگ‌های
برآمده گردن را دارید!»

امروز نیز اوضاعی بهتر از آنچه گفتم نداریم. یکی تاریخ پادشاهان
عثمانی را بهتر از همزمانان ایرانی آنان — صفویه — می‌داند و آن یکی
تاریخچه گروه‌های موسیقی فلان کشور را!

ضامنم که با دانستن هیچ‌کدام از موارد گفته شده مشکلی ندارم، ولی
وقتی این دانش‌ترها شکل و شمایل پیدا می‌کند مثل شیفته غیرشدن، آن وقت
جای سؤال و تأمل دارد. شاید بهتر است بگوییم هرکس ترانه‌ای دارد در
زندگی که مخصوص او رشته و تنظیم شده و نمی‌توان با نوای دیگران کوک
و همساز شد.

بگذریم که اگر زیاده بگیریم باید عیوب خود را بشماریم!
کتاب حاضر قصه زندگی ه. ا. ا. آدم‌هاست که نویسنده در شکل و
شمایل قصه‌ای گیرا بیان کرده است. قصه پرداختن به سختی‌ها و گشتن به
دنبال یک تکیه‌گاه. تکیه‌گاهی که برخی اوقات به بودن و نبودن او بستگی
ندارد و تنها یک حضور ذهنی، می‌تواند همان نتیجه را ایفا کند. مهم آن است
که هرکس نقش خویش را با نگاه به خود و توانایی‌هایش برآورد و برعهده گیرد
و نه آنچه دیگران هستند و یا انجام می‌دهند.
امید که این کتاب مهر تأیید شادانی‌های حرفه‌ای و رُمن‌خوانان به همراه
داشته باشد.

ترانه زندگی تان همواره خوش‌آهنگ!

بهمن رحیمی

شهریورماه ۱۳۹۴ — تهران

